

## جناب داکتر صاحب حقوق، مجاهدین ملی به کشتار دیگری پرداختند!

به باور جناب داکتر روستار تره کی، عکس های ضمیمه، جهاد مردم افغانستان را به مقابل کفار، نمایان می سازد

تاریخ تحریر: ۲۰۱۷/۰۶/۲۳



مقدمه:

طوری که از تاریخ تحریر سطور ضمیمه مشاهده می گردد، تقریباً شش سال قبل و حتی به رویت اسناد از همان آغاز استیلای افغانستان ذریعۀ گروه اول طالب و شکست خفتبار تنظیم های جهادی در ۱۹۹۶ م همین فشار ذهنی و تبلیغات قرار دادن گروه طالبان منحصی مجاهدین ملی و ناجی ملت و کشور ما از جانب « داکتر روستار تره کی» مقیم کشور فرانسه، در مطبوعات بیرونی دوام داشت. اینکه ملت مظلوم افغانستان، خصوصاً زن محروم و بی دفاع افغان که درین بیشتر از چهار دهه چه مظلومی را به منزله سنگ زیرین آسیاب متحمل گردیده است، حکایت استخوان سوز دیگر بیست که هر گروه و گروهی که به قدرت دست یافته از جنایات و مظلوم غیر بشری بر آنان دریغ ننموده است. ولی این دلیل نمیشود که چون خائنین خلق و پرچم بر وطن و مردم آن نهایت ستم کردند و موجبات اشغال سرزمین مقدس افغانستان را فراهم ساختند و یا تنظیم های خونخوار جهادی در جوار ۶۵۰۰۰ کشته، پایتخت را به خاک برابر نمودند و بالاخره اینکه بیست سال دیگر با موجودیت قوای بینالمللی،

ناتو و امریکا، باز هم همان چکه چوران سخیف جهادی و عده ای مانند آنان، کمک های زیربنایی و سیل سرمایه های ملی را تاراج نمودند، افغانستانی که در دو دهه اخیر از نگاه معارف برای زن و مرد و رشد سیاسی و حقوقی نسل بهتری را پرورش میداد، با هجوم گروهی جاهل و عقب گرا که حتی به شریعت محمدی و اصول برگزیده اسلامی کوچکترین باور و عقیده ای ندارند، امتیاز تعلیم و کار را بر روی زن مستحق افغان ببندد!!

این حالتی که امروز برنیمی از ملت، یعنی طبقه اناث افغانستان تعمیل و تحمیل میگردد، نهایت غیر بشری بوده و در روی کره ارض و هیچ سرزمین اسلامی دیگری به مشاهده نرسیده است.

باز هم همان آش و همان کاسه؛ جناب استاد و داکتر حقوق آقای «روستار تره کی» باز هم سنگ طرفداری از راه و روش طالبان را بر سینه میزند و منحصیث یک حقوقدان که خود و فامیلش در امنیت و رفاه یک سرزمین متمدن پناه گرفته اند، با سفسطه سرایی های ضد و نقیض آزار دهنده گاهی به نعل می کوبد و زمانی به میخ.....عجب است که حتی اینروز ها امر هم صادر می نماید که ادباء و شعرا نباید به مسایل حقوقی و قانونی «!؟» افغانستان ارتباط گرفته و نظر دهی نموده، به درد مردم وطن سهیم گردند! یا الله! الهی صبر نصیب نما.

آغاز مضمون شش سال قبل که در وبسایت آریانا افغانستان آنلاین و مطبوعات دیگر منتشر گردید:

## خبر روز از صدای امریکا:

(مقام های هلمند می گویند، حوالی ساعت ۱۲:۰۰ ظهر پنجشنبه در مقابل شعبه نوری کابل بانک، حمله موثر بم انجام شده است که در نتیجه ۳۴ تن جان باخت و بیش از ۶۰ تن دیگر زخمی شدند. حیات الله حیات، والی هلمند، به خبرگزاری اسوشیتید پرس گفته است که اکثر قربانیان این حمله را غیر نظامیان تشکیل می دهند. به گفته آقای حیات، وضعیت شماری از زخمیان وخیم است و آنان به شفاخانه ایمرجنسی لشکرگاه انتقال یافته اند. مقامات ولایت هلمند می گویند که وضعیت شماری از زخمیان بسیار وخیم است.

به گفته شاهدان رویداد، حمله زمانی به وقوع پیوست که شماری از مامورین ملکی حکومت و منسوبین امنیتی برای گرفتن معاشات شان در مقابل آن بانک تجمع کرده بودند.

گروه طالبان مسؤولیت این حمله مرگبار را بر عهده گرفته است.

هلمند یکی از نا امن ترین ولایات افغانستان به شمار می رود که و بخش اعظم قلمرو این ولایت در کنترل گروه طالبان قرار دارد).

خبر بالا در حقیقت مشتبیست نمونه خروار که به روز ۲۲ ماه جاری واقع گردیده است، از حوادث خونین و استخوان سوز ملت مظلوم افغانستان است که باز هم یکی از حملات آتشبار طالبان، در حینی که مردم سرک و بازار به فعالیت های روزمره مصروف هستند، از جانب جمعی از گماشتگان و یا به باور داکتر «روستار تره کی»، مهاجری در فرانسه، یعنی «مجاهدین ملی» ذریعه انفجار کشنده بمی در لشکر گاه مرکز ولایت هلمند، به وقوع پیوست. این حادثه یکی از صد ها جریان مشابه دیگر است که در سر تا سر افغانستان جنگ زده ذریعه گروهی شرف فروخته، قسی القلب، خون آشام و بیرحم از یکونیم دهه به این طرف صورت می گیرد. این جانیان دد صفت که بویی از آدمیت نبرده اند، فتوا و امر شان به عده ای اجیران جاهل و بی مروت که تعلیم قتل مسلمانان را پیشه نموده اند، فقط افغان کشتی است که در آن باید بیگناهان زن و مرد، کوچک و بزرگ در حین بیخبری و بی دفاعی به خون و آتش مذاب آن قاتلین بالفطره، نیست ونا بود گردیده و از حلقه فامیل ناپدید کردند.... چه بسی که خود نان آور فامیل خویش بوده اند و یا محصلی جوان، متعلم و شور خود فروش، موجی، مادری با اطفال وووو.... مردم افغانستان در حدود چهل سال به اینطرف در بدبختی و ظلمی که بیشترین از جانب اقلیت های ستیزه جو و تشنه قدرت بالای آنان نازل گردیده است، با مصائب روز افزون و بیشماری سر دچار گردیده اند. درین جریان بدون شک

زیاد ترین صدمه و ادبار در هر دوره ای از جانب اقلیتی که نقاب تحصیل و فضل و دانش بر رو کشیده اند، بر ملت نهایت مظلوم سرزمین ما وارد گردیده است. مگر گروه پرچم متعلق به خط مسکو و تربیت شده شوروی که با رهبری سفارت آن کشور در کابل به زعامت پسر عم شاه افغانستان و در غیاب شاه، کودتای بیست و شش سرطان را دقیقاً منحصیث مقدمه ای برای تدارکات و اقدامات بعدی، سازمان دهی نمودند، تحصیل یافتگان و مأمورین وابسته به آن جریان نبودند!؟

بعد از کودتای منحوس ثور و سقوط افغانستان به دامن کثیف اتحاد شوروی اشغال گر، کم جوانان و تحصیل یافتگان کشور پا به پای وطن فروشان خلقی و پرچمی در بربادی ملت و مملکت سهم گرفتند؟ چه نقاب هایی از چهره ها پائین افتاد و چه خیانت کاران مکتب رفته و پوهنتون دیده، چپ و راست به قدرت رسیدند و دست به کشتار و ترویج قبر های دسته جمعی بیگناهان و مظلومان هموطن زدند.

با اشغال کابل و هجوم تنظیم های تشنه قدرت، آیا رهبران آنرا تحصیل یافتگان در داخل و خارج مملکت تشکیل نمیداد، مگر اعمال غیر انسانی آنان بر ملت افغانستان، مخصوصاً بر مردم بیدفاع

کابل و قتل ۶۵۰۰۰ سکنه آن شهر که بدون تردید، در زمره انواع «جنایات بر علیه بشریت» ثبت است، تناسبی با تحصیل و کسب علم و تربیت آمران تشنه قدرت آن داشته است؟! در جنایت شنیع بشری «قتل عام افشار» مگر ربانی، مسعود، سیاف و گروه های شان صحنه سازان اصلی آن ماجرای خونین نبودند؟

حال با شرائط دولت فعلی که برای اشغال کرسی ها در قوای سه گانه، مشاهده میگردد که نسل های مختلفه و تعلیم یافته از هر گوشه جهان به افغانستان سرازیر گردیده و به خدمت «!» مردم آن کشور،



در چور و چپاول دارایی های عامه، تزئید فساد اداری، حیف و میل بودجه های اعمار مجدد و همکاری با مافیای مواد مخدره مصروف اند که همه تحصیل یافتگان و تا حدی مجربین اند. تعدادی هم با طالبان قاتل ملت، روابط نزدیک بر قرار نموده اند.

ولی و اما، این تنها درد بی درمان ملت محنت کشیده نیست، نسلی که در چهل سال روزگاران صلح و امنیت یک افغانستان با ثبات و غیر منسلک، از برکت مزایای یاد شده توانسته بودند از بودجه ملت افغانستان به تحصیل و امتیازات مجانی چنان محیط آسایش بخشی رسیده و صاحب کار و مدارج ترقی گردند، امروز با اینکه اکثراً در غرب متمول با شرائط حیات مرفه شرائط پسندیده ای را برای خود و فامیل و فرزندان بدست آورده اند، از اوضاع نا بسامان، کشتار بی دریغ هموطنان بی دفاع که در هر گوشه ای از مملکت غرقه به خون، بی موجب و بیگناه قربانی میگردند، ترحمی به قلب و احساسی در سر ندارند. این گروه نهایت اقلیت، همانند گروپ های یاد شده قسی القلبی که در دهه های اخیر تشنه قدرت بودند، در حالیکه شاید تمایلی هم در پایان حیات شان به قدرتمندی در آن سرزمین ویران نداشته باشند، ولی قتل و کشتار وسیع مردم بی دفاع و بینوای خویش را در مناطق

مختلفه مادر وطن، مشروع دانسته و چنان عمليات سخيى را «جهاد» مى شمارند... همان جهادى كه به حكم هدايات و احكام اسلام صرف جنگيست كه براى دفاع از ناموس سرزمين خود با «كفار»



صورت مى گيرد، مگر كشتار و حملاتى كه بر خلق الله، غير نظاميان افغان يا پليس و ادوى افغانستان، مريض و پير و جوان در هر گوشه و كنار مملكت، در مسجد و شفاخانه، مكتب و عروسى خانه صورت مى گيرد، جنگ به مقابل «كفار» براى نجات مملكت از دست دشمن و عدوى كافر است؟!!

بلى در گوشه از غرب آباد و آرام، در سر زمين فرانسه، جناب داکتر «روستار تره كى» هموطنى كه از كزند طالب و داعش و اشتباهات غير مجاز ناتو و بمباردمان هاى غير نظاميان در امان است، حملات بيدريغ طالبى را «جهاد ملى» و گروه هاى آدم كشان حرفوى وحشى اى را كه كشتار وسيع و بيدريغ شان ضد مروت و انصافى است كه دين مقدس اسلام به بندگان، براى صلح و آرامش اجتماعات امر فرموده است، «مجاهدين ملى» انگاشته و البته كه سوختاندن بيدريغ مكاتب دختران و حريق كتب دينى و قرآن عظيم الشان را هم نوعى «مقاومت ملى» مى انگارد!

آيا حملات عده اى وحشى و آدم كشان حرفوى بر شفاخانه ها، مراكز عسكرى، مساجد در حين عبادت و اداى نماز و يا قتل عامى كه اخيراً در شهر پر ازدحام كابل در چهار «راهى زنبق» رو نما گرديد با حمله دد منشانه ديروز در بازار لشكر گاه، هم شكلى از «جهاد ملى» بوده است؟ تکه پاره هاى پراکنده بدن اطفال و زنان و پير مردان در هر سو، چطور؟ مجاز مى باشد؟ ميشود گفت كه چون افغانستان در اشغال غير است، اين «مجاهدين ملى» به پيروى از مبارزات تاريخى اين خطه پاک، با چنين اعمال دهشت افگنى و خون ريزى هاى بيدريغ، در حقيقت «به مقاومت» ملى

می؟!» پردازند و بدین گونه به امر جنایتکاران حرفوی گروه های طالب، در ماه شریف عبادت و طلب مغفرت، مردم شریف افغانستان را قتل عام می نمایند؟!!

گروه معروف آدم کشان معروف به فرقه «**حقانی**» که رهبر آنان افتخار معاونیت رئیس تشکیل جدید طالبان را کمایی نموده است، یقین با تجارب و ابتکاراتی که درین مدت در زمینه مسلک افغان کشی «**کسب**» نموده، سبب و وسعت حملات انتحاری را در حق مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان سازمان دهی میدهد. البته که جناب داکتر صاحب چنان یک دم و دستگاه مخوفی را تقدیر نموده و امارت «**مجاهدین و گروه مقاومت ملی**» می شمارند.

درین جای شکی نیست که اگر در امکان باشد، حملات انتحاری طالبی بر عساکر ناتو و قوای امریکا هم گاهی برابر خواهد گردید، ولی اگر در مجموع منطقه، جای، زمان و نحوه فعالیت دهشت افگنی و قتل عام بیگناهان، اکثراً غیر نظامی را در طول مدت معینی در نظر بگیریم، آدم کشان طالب بیشتر به مناطق پر از ازدحام مردم عامه افغان در ملاء عام، مساجد، اردو گاه ها، شفاخانه ها و امثالهم حملات خونین خویش را صورت میدهند.



به اساس استدلال «**داکتر روستار تره کی**» که حملات طالبان در «**حقیقت**» دفاع مشروع از خاک و وطن به مقابل تجاوزگران خارجی است.... یعنی که با مشاهدات حالات وخیم و کشتار های پراکنده و وسیعی که هر روز بر مردم بیگناه و بی دفاع افغانستان از جانب آدم کشان بی رحم طالب صورت می گیرد، صرف خارجی های متجاوز آماج حملات جهادی آنان قرار می گیرند، نه افغان ها و مردم عامه. یا الله!!

در صفحه وبسایتی به احصائیه ای از افغان کشی های اخیر بر خوردم که فقط همان قسمت برای معلومات خوانندگان محترم درین جا نقل میگردد. نویسنده خواسته است که ادعای «**داکتر روستار**

تره کی» را مبنی بر حملات طالبان برای دفاع از خاک و هدف کشتن قوای خارجی و عساکر امریکا بوده است استناد نموده و رد نماید و ثابت کند که این مردم افغانستان هستند که در خاک خود و بیرون منازل به مرگی جانکاه، خونین و دردناک روبرو اند:

"جهت اطلاع آقای «روستار تره کی» تازه ترین ارقام ذیل را به حیث نمونه ای از فعالیت های همسنگران ایشان تقدیم می کنم. در جنگ ایشان و برادران طالب شان «علیه امپریالیزم امریکا» گروه «مقاومت ملی» یا برادران همسنگر آقای تره کی این تعداد عساکر امریکائی و افراد ملکی امریکائی «!?!» را کشتند و تعداد شانرا زخمی ساختند:

۲۴۰ کشته و ۳۶۰ زخمی در قول اردوی شاهین

۲۵۰ کشته و ۳۰۰ زخمی در شفاخانه ۴۰۰ بستر

۲۰ کشته و ۱۵۰ زخمی در پوهنتون امریکایی کابل

۵۰ کشته و ۸۰ زخمی در مسجد باقر العلوم

۲۰ کشته و ۴۰۰ زخمی در شاه شهید

۱۰۵ کشته و ۳۴۷ زخمی در ریاست ۱۰ امنیت

۴۰ کشته و ۵۰ زخمی در اکادمی پولیس

۷۰ کشته و ۳۵۰ زخمی در ریاست رجال برجسته

۱۰۰ کشته و ۲۳۱ زخمی در چوک دهمزنگ

۲۰ کشته و ۳۰ زخمی در کارته سخی

۹۰ کشته و ۴۶۰ زخمی در وزیر اکبر خان (چهارراهی زنبق)

۳ کشته و ۶ زخمی در انفجار مراسم خاکسپاری سالم ایزیدیار

پس در یک ماه گذشته به تعداد ۳۰۰۰ امریکائی «!?!» در افغانستان کشته و زخمی شده اند نه افغان. شاید ارقام بالا کم یا بیش باشند، زیرا طب جنائی ما از تشخیص (دی ان آ) پارچه های پراکنده بدن این همه کشته شدگان امریکائی «!?!» عاجز است."

البته از بد بختی مردم مظلوم افغانستان و دسیسه های همسایگان غداري چون پاکستان حامی طالبان و آخوند های مزور ایران، درد های اجتماع افغانی بیشمار است، یکی هم جا گیری نوع دیگری از گروه آدم کشان حرفوی به نام «داعش» است که اعمال آن دردناک، مصیبتیست بالای مصائبی که طالب بر ملت افغان خلق نموده است.



گرچه ادعای اشخاصی که خاک را حواله چشم حقیقت بینان می نمایند، در مقابل حالات واقعی و مشاهدات مردم کشور در داخل و خارج کشور، و هر آنچه را راپور ها، تصاویر و اخبار و مطبوعات افغانستان و جهان بیان میدارد، جایی را نمی گیرد، ولی تحریف و مغشوش ساختن اذهان خوانندگان و تحریف حقایق مبرهن و آشکارا، آهن سرد کوبیدن بوده به منزله روشنایی آفتاببست که نمی شود با دو انگشت ناتوان پنهان گردد.

البته در چنین یک تحریف اذهان، تشکیلات مطبوعاتی و وبسایت هایی که به بهانه پیروی از «مطبوعات آزاد»، ولی در حقیقت با سهل انگاری یا افزودن به کمیت مطالب، نشر چنین کیفیت غیر مجازی را روا میدارند، هم در معضله تخریب افکار عامه سهیم شناخته می شوند.

پایان